

طراحی مدل فرا ترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین

سید محمد عرب^۱، رضا ابراهیم‌زاده پزشکی^۲، علی مروتی شریف آبادی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی- گرایش تولید، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد

^۲ دانشجوی دکتری رفتار و منابع انسانی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد

^۳ استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد

نویسنده رابط: رضا ابراهیم‌زاده پزشکی، نشانی: یزد، صفائیه، دانشگاه یزد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، شماره تماس: ۰۹۱۵۱۸۸۹۴۶۳، آدرس الکترونیک:

Rezapezeshki@stu.yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۹/۱۲؛ پذیرش: ۹۳/۰۵/۰۴

مقدمه و اهداف: هولمز و همکاران، تنش طلاق را در بالای جدول تنش‌های جهان قرار داده‌اند. این تنش جهانی در ایران روز به روز در حال افزایش است؛ به طوری که پدیده‌ی طلاق در ایران، مقام چهارم را به خود اختصاص داده است. هدف این پژوهش ارایه‌ی مدل جامع و نظام‌مند از عوامل مؤثر بر طلاق در کشور می‌باشد.

روش کار: روش پژوهش در این مطالعه، کیفی و نوعی از متمطالعه به نام متاترکیب است که برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. جمعیت مورد مطالعه‌ی پژوهش را تمامی مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش شامل می‌شود. در راستای انجام پژوهش پس از طراحی سؤالات پژوهش، جستجویی نظام‌مند بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط-طلاق، ناسازگاری زوج‌ها، جدایی- از پایگاه‌های داده Science Direct، IEEE، Emerald، ISC، JSC، IRANDOC، SID، Civilica، Scopus و هم‌چنین پایگاه تخصصی Google Scholar بین سال‌های ۱۳۶۵ تا اوایل سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است.

نتایج: با بررسی ۶۱ مقاله از ۸۴۷۲ مقاله‌ی اولیه پژوهشگران ۱۵ بُعد و ۶۴ مؤلفه را به عنوان عوامل مؤثر بر طلاق که در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی در سال‌های ۱۳۶۵ تا اوایل سال ۹۲ به آن اشاره شد؛ شناسایی کرده‌اند. بر اساس این عوامل مدل یکپارچه نهایی ارایه و اعتبارسنجی شده است.

نتیجه‌گیری: این مقاله با شناسایی تمامی عوامل مؤثر بر طلاق که بر اساس منابع موجود در سال‌های ۹۲-۱۳۶۵ به دست آمده است؛ می‌تواند به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی از سوی مدیران دولتی و هم‌چنین آموزش جامعه در مشاوره‌های قبل ازدواج قرار گیرد.

واژگان کلیدی: طلاق، عوامل مؤثر بر طلاق، روش نظام‌مند، متمطالعه، متاترکیب

مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است (۱). خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است (۲). جامعه در صورتی سالم خواهد بود که از خانواده سالم برخوردار باشد؛ به طوری که یکی از عوامل سعادت یا سقوط جامعه را می‌توان در چگونگی خانواده‌ها دید (۳). ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مخالف آن طلاق است که فروپاشی خانواده را معنی می‌دهد. طلاق را می‌توان فروپاشی مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری در جامعه انسانی دانست (۴). امروزه طلاق هم‌چون ازدواج امری طبیعی محسوب می‌شود و در بسیاری از جوامع موضوعی پذیرفته شده و

نهادینه شده برای پایان ازدواج است (۵). از سوی دیگر نیز پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که طلاق آثار سوء بسیاری را به دنبال دارد. از جمله‌ی این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعه موسای و همکاران اشاره کرد، که نشان دادند طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیش‌تری دارد (۶). ویس نیز بیان می‌دارد که طلاق دارای آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است (۷). هم‌چنین بسیاری از بررسی‌های انجام شده، از رابطه‌ی بین طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان‌پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسایل آموزشی و تربیتی، خودکشی، جامعه‌ستیزی و نظایر آن حکایت می‌کنند (۸). پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که

مسایل اجتماعی جدی تبدیل شده است، که نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت این پدیده از سوی نهادهای مسؤول می‌باشد. بنا به آمار منتشر شده در ایران از هر ۵ ازدواج در کشور، یک مورد به طلاق کشیده می‌شود که شکست ۲۰ درصدی در هر ازدواج را نشان می‌دهد. روند طلاق در سال‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته، و حالت صعودی به خود گرفته است. این در حالی است که آمار ازدواج با روند نزولی در حال رشد است. جدول شماره ۱، فراوانی ازدواج و طلاق را در ۷ سال اخیر نشان می‌دهد.

۲/۵ درصد از مراجعان به مراکز بازپروری معتادان کل کشور (۹)، ۹۵ درصد دختران فراری، ۲۶ درصد کودکان خیابانی (۱۰) از فرزندان خانواده‌هایی هستند که پدر و مادر آن‌ها طلاق گرفته و با نامادری یا ناپدری زندگی می‌کنند. یعقوبی و همکاران نیز پرخاشگری کودکان طلاق را بیش‌تر از پرخاشگری کودکان عادی برشمردند (۱۱). هم‌چنین طلاق والدین، در اختلال‌های رفتاری کودکان مؤثر است (۱۲). رشد کمی و کیفی این پدیده در کشور با توجه به اهمیت این نهاد در فرهنگ و مذهب کشور به یکی از

جدول شماره ۱- فراوانی ازدواج و طلاق بین سال‌های ۹۱-۱۳۸۵ (۱۳)

فراوانی مطلق	سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
ازدواج		۷۷۸۲۹۱	۸۴۱۱۰۷	۸۸۱۵۹۲	۸۹۰۲۰۸	۸۹۱۶۲۷	۸۷۴۷۹۲	۸۲۹۹۶۸
طلاق		۹۴۰۳۹	۹۹۸۵۲	۱۱۰۵۱۰	۱۲۵۷۴۷	۱۳۷۲۰۰	۱۴۲۸۴۱	۱۵۰۳۲۴

پزشکی و پیراپزشکی مورد استفاده قرار گرفته است. متامطالعه، یک تجزیه و تحلیل عمیق از کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه‌ی خاص است. متامطالعه اگر به صورت کیفی و روی مفاهیم و نتایج مورد استفاده در مطالعه‌های گذشته با شیوه‌ی کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی مثل نظریه بر خاسته از داده‌ها انجام گیرد^۷ به نام متاسنتز یا متاترکیب، قلمداد می‌شود (۱۵ و ۱۶). روش انتخابی مورد مطالعه‌ی این پژوهش متاترکیب است که در ادامه معرفی کاملی از آن ارائه شده است.

به طور کلی بر اساس آنچه پیش‌تر بیان شد ضرورت نگرشی جامع و نظام‌مند به موضوع شناسایی و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر طلاق بسیار دارای اهمیت می‌باشد. با توجه به اهمیت بحث در کشور، تا کنون تحقیقات انجام شده در این زمینه به صورت جزیره‌ای و محدود به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق پرداخته‌اند و جای تحقیقی که به روند عوامل مؤثر بر طلاق در کشور و جهان به‌طور نظام‌مند بپردازد؛ احساس می‌شود. این پژوهش علاوه بر معرفی روش کیفی متاترکیب که روشی نوین و نظام‌مند برای شناسایی و دسته‌بندی عوامل می‌باشد، مبنایی را برای مدیران و مسؤولان کشوری در راستای تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تحکیم خانواده فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش این مطالعه کیفی و نوعی از متامطالعه به نام

موارد بیان شده در حالی روز به روز افزایش یافته و بحران را تشدید می‌کند، که از سال‌ها قبل و با توجه به پیشی گرفتن رشد فراوانی طلاق به نسبت فراوانی ازدواج، زنگ هشدار بحران به صدا در آمده بود، اما بی‌توجهی به هشدارهای آن موقع در کنار عواملی که بر شدت آن می‌افزودند؛ ماجرا را پیچیده کرده است؛ به طوری که امروزه میزان ازدواج روند نزولی در پیش گرفته، اما آمار طلاق هم‌چنان روند رو به رشد خود را حفظ کرده است. با کمی تأمل در آمارهای ارائه شده از این دو رویداد، طی سال‌های مختلف می‌توان گفت با وجود آن‌که عامل اقتصادی نقشی انکارناپذیر در هر دو رویداد داشته، اما بی‌شک باید برای یافتن علت اصلی بروز این پدیده به سراغ عواملی فراتر از مشکلات اقتصادی رفت، زیرا تعداد طلاق در خانواده‌های مرفه نیز به شدت افزایش یافته است. در این راستا شناسایی و دسته‌بندی مهم‌ترین عوامل در افزایش طلاق در کشور با استفاده از روش‌های نوین علمی از جمله روش‌های متامطالعه می‌تواند نخستین گام اساسی در ریشه‌کنی این پدیده‌ی شوم تلقی شود. یکی از روش‌های ترکیبی متامطالعه^۱ (۱۴) است که خود در بردارنده‌ی روش‌های متاتحلیل^۲، متانظری^۳، متاروش^۴ و متاترکیب^۵ می‌باشد. متامطالعه بیش‌تر در حوزه پژوهش‌های علوم

^۱ Meta-Study

^۲ Meta-Analysis

^۳ Meta-Theory

^۴ Meta-Method

^۵ Meta-Synthesis

جدول شماره ۲- مراحل پیاده‌سازی روش متاترکیب (۱۹)



بر اساس جدول شماره ۲، مراحل مبسوط پیاده‌سازی روش متاترکیب به شرح زیر می‌باشد:

مرحله اول: تنظیم سؤال تحقیق

برای تنظیم سؤال پژوهش از پارامترهای مختلفی مانند: جامعه مورد مطالعه^۳، چه چیزی^۴، چه موقع^۵ و چگونه^۶ روش استفاده می‌شود. در این پژوهش، سؤالات زیر مورد کنکاش قرار گرفت:

۱. شناسایی مؤلفه‌های حیاتی طلاق از سال ۱۳۶۵ تا اوایل سال ۱۳۹۲ ایران و جهان؛ و
۲. گروه‌بندی مؤلفه‌های حیاتی طلاق از سال ۱۳۶۵ تا اوایل سال ۱۳۹۲.

مرحله دوم: مروری بر ادبیات به شکل نظام‌مند

در این مرحله، محقق جستجوی نظام‌مند خود را بر مقالات منتشر شده در ژورنال‌های مختلف متمرکز می‌کند و واژگان کلیدی مرتبط را انتخاب می‌کند. حال به منظور پاسخگویی به سوالات مطرح شده در مرحله اول اجرای متاترکیب، محققان با استفاده از کلید واژه‌های: Science، Nasazgari، Direct، IEEE، Emerald، ISC، IRANDOC، SID، Civilica، Scopus و هم‌چنین پایگاه تخصصی Google Scholar بین سال‌های ۱۳۶۵ تا اوایل سال ۱۳۹۲ مقالات مرتبط را بررسی کرده‌اند.

متاترکیب است. استفاده از روش متاترکیب برای شناسایی مشکلات طلاق بدین صورت است که مشابه متاترکیب و متاترکیب برای یک‌پارچه‌سازی چندین مطالعه به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری استفاده می‌شود. از آنجا که بیش‌تر مقالات در زمینه‌ی طلاق مطالعه‌های کیفی و بدون داده‌های کمی هستند؛ از روش متاترکیب به عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن ترکیب جامعی از این موضوع بر پایه‌ی ترجمه‌ی مطالعه‌های کیفی محدود استفاده شده است. همان‌طور که بیان شد، متاترکیب نوعی مطالعه ثانویه است، که با هدف مرور ساختاریافته مطالعات کیفی که متمرکز بر مطالعه‌ی کیفی یافته‌های استخراج شده از مطالعه‌های با موضوع مرتبط و مشابه می‌باشد. از طرفی متاترکیب، مرور یکپارچه‌ی ادبیات کیفی موضوع موردنظر نیست و لزوماً ادبیات موضوعی زیادی را درگیر نمی‌کند. هم‌چنین، عصاره‌ای از تفسیرهای مطالعه‌های مشابه نیز نیست، بلکه یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است (۱۷) که حاکی از فهم عمیق پژوهشگر در این باب است (۱۸). یعنی به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند. متاترکیب با فراهم کردن یک نگرش نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد، و با این روش، دانش فعلی را گسترش داده و یک دید جامع و هولوگرافیک را نسبت به مسایل به وجود می‌آورد. متاترکیب مستلزم این است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی انجام داده و یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط را ترکیب کند. از طریق بررسی یافته‌های مقاله‌های اصلی پژوهش، پژوهشگران واژه‌هایی را آشکار و ایجاد می‌کنند که نمایش جامع‌تری از پدیده‌ی تحت بررسی را نشان می‌دهد (۱۷). نوبلت و هیر^۱ سه فاز اصلی انتخاب مطالعات، ترکیب ترجمه‌ها و ارایه ترکیب را برای متاترکیب و باروسو و ساندلوسکی^۲ روشی هفت گامی را معرفی می‌کنند. به منظور محقق هدف مقاله محققان پژوهش‌های گذشته در حوزه طلاق را در ایران و جهان مورد کنکاش قرار داده و در این راه از روش هفت مرحله‌ای باروسو و ساندلوسکی استفاده شده است که خلاصه این مراحل در جدول شماره ۲ مشخص شده است.

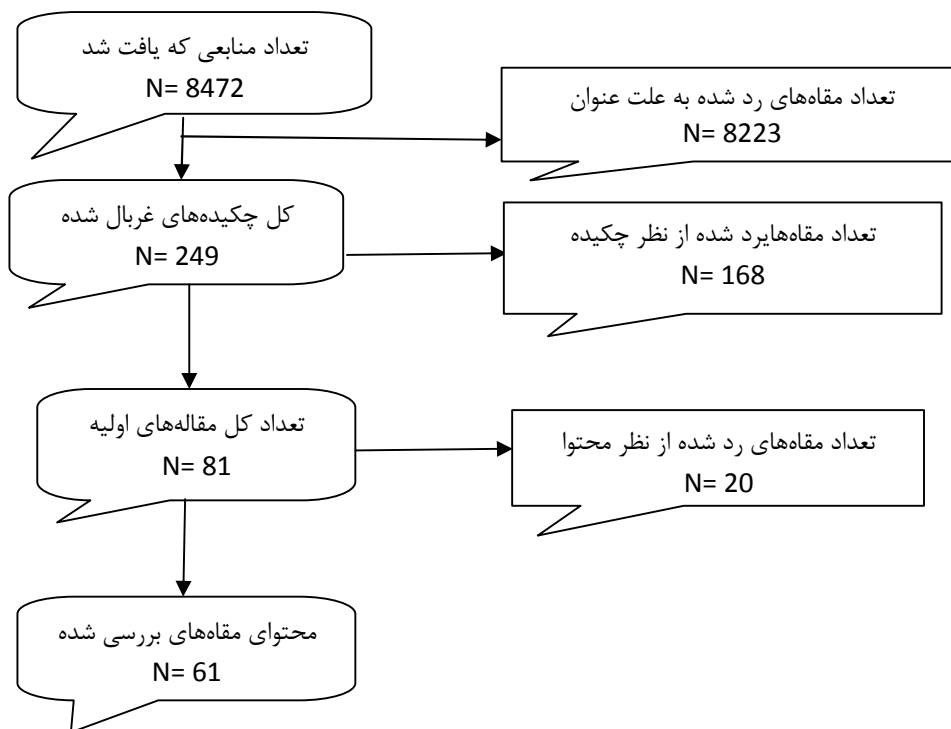
^۳Who
^۴What
^۵When
^۶How

^۱Noblit and Hare
^۲Sandelowski and Barroso

در پژوهش حاضر، فرایند بازبینی به صورت خلاصه در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

مرحله سوم: جستجو و انتخاب متون مناسب

در این گام، محقق در هر بازبینی تعدادی از مقالات را رد می‌کند، که این مقاله‌ها در فرایند متاترکیب مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.



شکل شماره ۱- فرایند بازبینی برای انتخاب مقاله‌های مورد نظر

۳- طرح تحقیق؛ ۴- روش نمونه‌برداری؛ ۵- جمع‌آوری داده‌ها؛ ۶- انعکاس‌پذیری (شامل رابطه بین محقق و شرکت‌کنندگان می‌باشد)؛ ۷- ملاحظات اخلاقی؛ ۸- دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ ۹- بیان واضح و روشن یافته‌ها؛ و ۱۰- ارزش پژوهش. در این مرحله پژوهشگر به هر کدام از این سؤالات یک امتیاز کمی می‌دهد، و سپس یک فرم را ایجاد می‌کند. بنابراین او می‌تواند امتیازاتی را که به هر مقاله می‌دهد جمع کند و به آسانی و به اجمال مجموعه مقالات را بررسی کرده و نتایج ارزیابی را ببیند. بر اساس مقیاس ۵۰ امتیازی CASP روبریک، پژوهشگر، سیستم امتیازبندی زیر را مطرح می‌کند و هر مقاله‌ای را که پایین‌تر از امتیاز خوب (کم‌تر از ۳۰) است را حذف می‌کند: عالی (۵۰-۴۰)، خیلی خوب (۴۰-۳۱)، خوب (۳۰-۲۱)، متوسط (۲۰-۱۱) و ضعیف (۱۰-۰). بر اساس امتیازهای داده شده به هر مقاله، حداقل میانگین امتیاز داده شده به مقالات ۲۱ و حداکثر امتیاز داده شده ۴۸ بوده است. در نتیجه در فرایند ارزیابی، پژوهشگر از

به محض این که مقالات برای تناسب با پارامترهای مطالعه بررسی شد، در قدم بعدی پژوهشگر باید کیفیت روش‌شناختی مطالعه‌ها را ارزیابی کند. هدف از این گام حذف مقاله‌هایی است که پژوهشگر به یافته‌های ارایه شده اعتمادی نداشته باشد، بنابراین ممکن است مقاله‌ای که باید در ترکیب وجود داشته باشد را رد کند. شایان ذکر است که در بسیاری از مقاله‌های خارجی عوامل مؤثر بر طلاق متناسب با فرهنگ کشور ایران نبوده، به همین سبب بسیاری از آن‌ها در مراحل غربال‌گری حذف شده‌اند. برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی^۱ ابزاری که معمولاً برای ارزیابی کیفیت مطالعه‌های اولیه پژوهش کیفی استفاده می‌شود. CASP، ۱۰ سؤالی است که به شما کمک می‌کند تا مفهوم تحقیق کیفی را دریابید. این ابزار به محقق کمک می‌کند تا دقت، اعتبار و اهمیت مطالعه‌ها کیفی تحقیق را مشخص کند. این سؤالات بر موارد زیر تمرکز دارد: ۱- اهداف تحقیق؛ ۲- منطق روش؛

^۱Critical Appraisal Skills Program (CASP)

میان ۸۴۷۲ مقاله، ۸۴۱۱ مقاله را حذف کرده و در نهایت ۶۱ مقاله برای تجزیه و تحلیل اطلاعات باقی ماند.

مرحله ی چهارم: استخراج اطلاعات متون

در سراسر متاترکیب، پژوهشگر به طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی شده را، به منظور دستیابی به یافته‌های درون محتوایی مجزایی که در آن‌ها مطالعه‌های اصلی و اولیه انجام می‌شوند، چندبار مرور می‌کند. در پژوهش حاضر، اطلاعات مقالات بدین صورت دسته‌بندی شده است: مرجع مربوط به هر مقاله ثبت می‌شود (نام و نام‌خانوادگی نویسنده، سالی را که مقاله منتشر شده است، عوامل حیاتی موفقیتی که هر مقاله به آن‌ها اشاره کرده است) و اطلاعات روش شناختی کلیدی مانند: هدف پژوهش، روش، رویه‌ها، و وسایل سنجش یادداشت می‌شود و در نهایت صفحاتی که عوامل را اشاره کرده است؛ درج می‌شود.

مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

هدف متاترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدیدی از یافته‌ها می‌باشد. این روش برای شفاف‌سازی مفاهیم، الگوها و نتایج در پالایش حالت‌های موجود دانش و ظهور مدل‌های عملیاتی و تئوری‌ها پذیرفته شده است (۲۰). در طول تجزیه و تحلیل، پژوهشگر موضوعاتی را جستجو می‌کند که در میان مطالعه‌های موجود در متاترکیب پدیدار شده‌اند. این مورد به عنوان «بررسی موضوعی» شناخته می‌شود. به محض این‌که موضوع‌ها شناسایی و مشخص شدند، بررسی کننده یک طبقه‌بندی را شکل می‌دهد و طبقه‌بندی‌های مشابه و مربوط را در موضوعی قرار می‌دهد که آن را به بهترین گونه توصیف می‌کند. موضوع‌های اساس و پایه‌ای را برای ایجاد «توضیحات، مدل‌ها و تئوری‌ها یا فرضیات» کاری ارائه می‌دهند (۱۹). در پژوهش حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج شده از مطالعه‌ها به عنوان کد (مؤلفه‌ها) در نظر گرفته شده و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، آن‌ها را در یک مفهوم مشابه (ابعاد) دسته‌بندی کرده تا به این ترتیب مفاهیم پژوهش شکل داده شود.

مرحله ششم: کنترل کیفیت

در روش متاترکیب، محقق رویه‌های زیر را برای حفظ کیفیت

در مطالعه خود در نظر می‌گیرد:

۱. در سراسر تحقیق، محقق تلاش می‌کند تا با فراهم کردن توضیحات روشن و واضح برای گزینه‌های موجود در تحقیق گام‌های اتخاذ شده را بردارد؛
 ۲. محققان هر دو راهکار جستجوی الکترونیک و دستی را به کار می‌برند تا مقالات مربوط را پیدا کنند؛
 ۳. پژوهشگران، روش‌های کنترل کیفیت استفاده شده در مطالعه‌های تحقیق کیفی اصلی را به کار می‌برند؛
 ۴. برای ترکیب مطالعات اصلی، محققان از ابزار CASP، برای ارزیابی تمام مطالعات استفاده می‌کنند
- هم‌چنین در این پژوهش، برای حفظ کیفیت مطالعه از شاخص کاپا^۱ نیز استفاده شده است که چگونگی محاسبه‌ی این شاخص در قسمت بعد به طور مفصل شرح داده شده است.

مرحله هفتم: ارایه یافته‌ها

در این مرحله از روش متاترکیب، یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارایه می‌شوند. ۶۱ مقاله‌ی انتخاب شده از سوی پژوهشگران در مدت زمان ۵ ماه به دقت مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات مورد نیاز بر اساس هدف اصلی این مقاله که شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق در ایران می‌باشد؛ شناسایی شد. ترکیب یافته‌ها پس از اعمال نظر خبرگان دانشگاهی (۵ تن از استادان علوم اجتماعی و مدیریت) در ۱۵ بُعد و ۶۴ شاخص دسته‌بندی شده که جدول شماره ۳ این طبقه‌بندی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳- عوامل و ابعاد مؤثر بر طلاق در ایران

ردیف	ابعاد	مولفه	رفرنس
۱	عوامل جنسی	عدم تأمین جنسی (۱) مشکلات جنسی (۲) عدم تمکین (۳) ناباروری (۴)	(۲۱-۳۷)
۲	عوامل اقتصادی	عدم تأمین نیاز رفاهی (۵) مشکلات اقتصادی (۶) عدم پرداخت نفقه (۷) مهریه (۸) تهیه مسکن (۹)	(۳۸-۵۱) و ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۳، ۳۵، ۳۶
۳	عوامل شغلی	مشکلات شغل (۱۰) بیکاری (۱۱) شغل سطح پایین (۱۲)	(۵۲ و ۲۱، ۳۵، ۴۲، ۴۳-۲۳)
۴	عوامل ادراکی	عدم تفاهم (۱۳) تصور مثبت از پیامدهای طلاق (۱۴)	(۵۳ و ۲۲، ۲۳، ۴۲، ۴۴)
۵	اختلالات رفتاری	خشونت روانی- فیزیکی (۱۵) تخریب اموال (۱۶) تهمت و فحاشی به همسر (۱۷)	(۵۴-۶۷) و ۵۲، ۴۴، ۲۶، ۴۲، ۴۶-۳۹، ۲۴، ۲۲
۶	اعتیادی	مشروبات الکلی (۱۸) مواد مخدر (۱۹) اعتیاد به کار (۲۰)	(۷۰-۴۲، ۵۴، ۵۵، ۵۹-۳۳، ۴۵-۲۱، ۲۷، ۳۶-۸، ۲۳) (۶۸)
۷	ازدواج مجدد	صیغه (۲۱) ازدواج مجدد (۲۲) مشکلات با فرزندان همسر قبلی- بعدی (۲۳)	(۷۲ و ۴۲، ۷۱-۳۳، ۳۵، ۴۶)
۸	عوامل جمعیتی	سن ازدواج (۲۴) اختلاف سنی (۲۵) تعداد سنوات زندگی در کنار هم (مدت ازدواج) (۲۶) داشتن فرزند و تعداد آن (۲۷)	(۷۵ و ۵۹، ۴۳، ۴۸، ۵۲-۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۵) (۷۳)
۹	عدم تجانس	مذهبی (۲۸) خانوادگی (۲۹) تحصیلات (۳۰) منزلت اجتماعی (۳۱)	(۷۷ و ۳۳، ۴۵، ۵۳، ۷۴، ۷۶-۳۸)
۱۰	دخالت اطرافیان	دخالت دوستان (۳۲) دخالت خانواده‌ها (۳۳) دخالت شخص ثالث (۳۴) حمایت برخی سازمان‌ها از مطلقه‌ها (۳۵)	(۷۸ و ۲۱، ۳۳، ۳۵، ۴۲، ۴۴، ۵۳-۲۶)
۱۱	شیوه ازدواج	سنتی (۳۶) عاشقانه (۳۷) اجباری (عدم علاقه) (۳۸) غیابی (۳۹)	(۴۴ و ۲۱، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۲)
۱۲	شخصیتی	تعصب (۴۰) حسودی (۴۱)	(۶۳-۶۷) و ۳۲، ۴۲-۲۵، ۲۶، ۳۶

	ناسازگاری (۴۲) عدم مسؤولیت پذیری (۴۳) رفیق‌بازی (۴۴) حساست (۴۵) ناپختگی (۴۶) انتقام‌جویی (۴۷) پای‌بندی به خرافات (۴۸) مدگرایی (۴۹)		
(۳۱-۲۶،۳۵-۵۹،۴۲،۳۳،۷۴)	زنا (۵۰) خیانت (۵۱) دروغ‌جویی (۵۲) روابط نامشروع قبل از دواج (۵۳) دزدی (۵۴) تهدید به قتل (۵۵) تماشای فیلم غیراخلاقی و ماهواره (۵۶)	بی‌بندوباری	۱۳
(۳۳،۳۵،۴۲،۷۱)	استقلال خواهی (۵۷) چند بخشی شدن نقش زن (۵۸) درآمد بالاتر زن نسبت به مرد (۵۹) سلطه‌ی زن بر شوهر (۶۰)	تغییر ماهیت نقش زن	۱۴
(۳۳،۳۵،۴۲،۲۵،۶۳-۶۰)	سفرهای متعدد (۶۱) عدم توجه به خواسته یکدیگر (۶۲) عدم مشورت در زندگی (۶۳) کاهش غیرت ناموسی (۶۴)	برآورده نشدن انتظارات زوجین	۱۵

روایی و پایایی مدل

مدل طراحی شده شامل ۱۵ بُعد و ۶۴ مؤلفه می‌باشد. پس از تکمیل مراحل روش‌شناسی متاترکیب، مدل طراحی شده، در جلسه‌های گروه کانونی با شرکت ۵ نفر از خبرگان علوم اجتماعی و مدیریت ارایه شد. در این جلسات تمامی دو سطح مدل مورد بررسی قرار داده شد و تغییری روی آن انجام نگرفت. در واقع ابعاد و مؤلفه‌هایی جدید به مدل اضافه یا کسر نگردید. روایی مدل حاضر، از طریق روایی محتوا حاصل شده، که این امر از دو جنبه صورت گرفته است. جنبه‌ی اول، استفاده از اجزاء و عوامل مدل‌های ارایه شده‌ی پیشین است که خود به روایی مدل منجر می‌گردد و جنبه‌ی دوم، تشکیل جلسه‌های گروه کانونی و ارایه مدل در این جلسه‌ها به متولیان علوم اجتماعی و مدیریت است که عدم تغییر مدل، نشان دهنده روایی مدل طراحی شده است. از آنجایی که در مراحل طراحی مدل، معیارهای مدل‌های پیشین به عنوان کد در نظر گرفته شد و با در نظر گرفتن شباهت‌های معنایی بین کدها، اقدام به ادغام آنان و ایجاد مفاهیم شده است. بنابراین به منظور سنجش پایایی مدل طراحی

شده از شاخص کاپا استفاده شده است. بدین طریق که، شخص دیگری (از نخبگان علوم اجتماعی) بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگران، اقدام به دسته‌بندی کدها در مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارایه شده توسط پژوهشگر با مفاهیم ارایه شده توسط این فرد مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌گردد، پژوهشگران ۱۵ مفهوم و خبره دیگر ۱۲ مفهوم ایجاد کرده‌اند، که از این تعداد ۱۱ مفهوم مشترک هستند. همان‌طور که در ادامه نشان داده شده است، مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۶۸۴ محاسبه شد که با توجه به جدول شماره ۵ در سطح توافق معتبر قرار گرفته است (۷۹).

جدول شماره ۴- وضعیت تبدیل کدها به مفاهیم توسط پژوهشگر و فرد دیگر

		نظر محقق		
		بله	خیر	مجموع
نظر خبره دیگر	بله	A=11	B=1	۱۲
	خیر	C=4	D=0	۴
	مجموع	۱۵	۱	N=

$$\text{توافقات مشاهده شده} = \frac{A+D}{N} = \frac{11}{16} = 0/6875$$

جدول شماره ۵- وضعیت شاخص کاپا

وضعیت توافق	مقدار عددی شاخص کاپا
ضعیف	کم‌تر از ۰
بی اهمیت	۰-۰/۲
متوسط	۰/۲۱-۰/۴
مناسب	۰/۴۱-۰/۶
معتبر	۰/۸-۰/۶۱
عالی	۰/۸۱-۱

$$\text{توافقات شانسی} = \frac{A+B}{N} \times \frac{A+C}{N} \times \frac{C+D}{N} \times \frac{B+D}{N} = \frac{12}{16} \times \frac{15}{16} \times \frac{4}{16} \times \frac{1}{16} = \frac{0}{0109}$$

$$K = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{1 - \text{توافقات شانسی}} = \frac{0/6875 - 0/0109}{1 - 0/0109} = 0/684$$

نتیجه‌گیری

و عوارض سوء ناشی از آن مورد توجه قرار نگرفته است و در هیچ عصری مانند این عصر عملاً بشر دچار این خطر و آثار سوء ناشی از آن نبوده است. قانون‌گذاران، حقوق‌دانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان هر کدام با وسایل و امکاناتی که در اختیار دارند سعی می‌کنند بنیان ازدواج را استوارتر و پایدارتر و خلل‌ناپذیرتر سازند. با این وجود آمارها نشان می‌دهد که سال به سال بر عدد طلاق‌ها افزوده می‌شود و خطر از هم پاشیدن و بی‌هویتی بر بسیاری از کانون‌های خانوادگی سایه افکنده است. شاید به جرأت بتوان گفت که طلاق از جمله معضلاتی است که امروزه هر چه بیش‌تر روی آن کار می‌شود؛ تعداد آن افزایش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع تنوع عواملی است که منجر به طلاق می‌شود. مسلماً سبب‌های تفاوت دیروز و امروز در این است که امروز علل طلاق فزونی یافته است. به عبارت دیگر امروزه زندگی اجتماعی شکلی پیدا کرده است که سبب جدایی و تفرقه، از هم گسستن پیوندهای خانوادگی بیش‌تر شده است و به همین سبب، تلاش دانشمندان تاکنون به جایی نرسیده است و متأسفانه آینده

خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است، که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می‌یابند و در خانواده‌های سالم به تکامل معنوی و اخلاقی نایل می‌شوند. خانواده عامل کمال بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. استحکام بنیان آن همواره مورد توجه پیامبران، مصلحان اجتماعی و اندیشمندان بوده است. سلامت اجتماع در گرو ثبات و پایداری خانواده است و زوال این نهاد، پیامدهای ناگواری را در مقیاس اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

یکی از بزرگ‌ترین خطرانی که بسیاری از کشورهای جهان و به طور خاص زندگی خانواده‌های ایرانی را تهدید می‌کند، طلاق است. هیچ عصری مانند عصر حاضر خطر انحلال کانون خانوادگی

خطرناک‌تری در پیش است. اهمیت این موضوع تا آن جاست که می‌توان گفت در عصر حاضر، طلاق به‌عنوان سرآغاز بحرانی اجتماعی، یکی از پی‌آمدهای زندگی مدرن است که در صورت بی‌توجهی به آن باید منتظر نتایج پی‌آمدهای بعدی آن بود.

آن‌چه که در بیش‌تر کتاب‌های مدیریتی در بحث حل مشکل، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در گام اول مشهود می‌باشد، شناسایی مسأله و مشخص کردن دلایل آن است. اما همان‌طور که بیان شد باید این دلایل به صورت جامع و نظام‌مند شناسایی شود که امروزه روش‌های نوینی از جمله مامطالعه پاسخگوی این نیاز می‌باشند. بنابراین پژوهش حاضر، به شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر طلاق از طریق روش متارکیب که جزئی از روش مامطالعه می‌باشد؛ پرداخته است. متارکیب با استفاده از روشی نظام‌مند و نوین و با بررسی دقیق در پژوهش‌های گذشته می‌تواند به تولید علم منتهی شود. با توجه به اهمیت طلاق در کشور و رشد بی‌سابقه‌ی آن در سال‌های اخیر تا کنون پژوهش‌های حاضر با دسته‌بندی سنتی و محدود با ارایه‌ی چارچوبی برای شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق پرداختند. از جمله‌ی این تحقیقات می‌توان به پژوهش بهادری و همکاران (۱۳۹۰) که عوامل مؤثر بر طلاق را در دو دسته‌ی کلی عدم پای‌بندی به تعهدات-تعهد نسبت به معاشرت متعارف، ارضای نیاز جنسی و پرداخت نفقه- و دیگری عدم تفاهم میان زوج‌ها-فاصله‌ی عاطفی، کراهت، بی‌عفتی، بی‌اعتنایی به دین یا ارتکاب بزه‌کاری و اعتیاد- تفکیک کرده‌اند، اشاره کرد. برتری انجام این پژوهش زیر ذره‌بین قراردادن عوامل اجتماعی و فرهنگی طلاق است، این در حالی است که پژوهش نام برده؛ بیش‌تر، به معانی طلاق، فلسفه طلاق و اشاره شدن این موضوع در شرایع دینی مختلف اشاره کرده است؛ به طوری که سایر ابعاد طلاق را نادیده انگاشته است و به طلاق از زاویه‌ای خاص می‌نگرد. به‌طور عمده جستاری گذرا و خارج از هر تحلیل کمی و آماری بر عوامل طلاق در ایران داشته‌اند. در تقابل، پژوهش حاضر توسط پژوهشگران فضای نادیده گرفته شده را پوشش داده و با روش‌های نوین کمی- کیفی همراه بوده و معایب پژوهش بهادری و همکاران را از هر جنبه پوشش می‌دهد. کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) نیز مدل مفهومی خود را در سه دسته‌ی پیامدهای اجتماعی، روان‌شناختی و اقتصادی معرفی کرده‌اند. شایان ذکر است که پژوهش انجام گرفته توسط کلانتری و همکاران، پژوهشی کاملاً مروری می‌باشد و این مقاله کنکاشی بر مرور دستاوردهای پژوهش‌هایی است که طی سه دهه‌ی ۸۰-۶۰ به سبب‌های طلاق در ایران پرداخته‌اند. به‌طور خاص‌تر، این مقاله

تنها با کلید واژه عوامل مؤثر بر بروز طلاق در ایران آن هم تنها از پایگاه‌های داده‌ی SID، IranDoc و Magiran صورت گرفته است. در این پژوهش از میان ۱۴۰ سند انتخابی، ۲۸ چکیده غربال شده و نتایج چرایی طلاق در بین سال‌های ۸۹-۱۳۵۹ در ایران به سه جنبه تقسیم می‌شود که جنبه اجتماعی- جمعیت شناختی با ۵۵ درصد، روان‌شناختی با ۲۴ درصد و عوامل اقتصادی با ۲۱ درصد به ترتیب میزان عامل طلاق را نشان می‌دهد. این با وجودی است که سن ازدواج و اختلاف سن زوج‌ها، عوامل اقتصادی، وضعیت تحصیلات و تعداد فرزندان بیش‌ترین متغیر مستقل منجر به طلاق بوده‌اند به‌علاوه در این پژوهش پوشش زمانی، جنسیت مؤلفان و نوع مأخذ مورد مطالعه به مرور در آمده است. همان‌طور که پیداست این پژوهش صورت گرفته، به صورت مروری و با جستجویی محدود و تنها با ۳ پایگاه داده داخلی موضوع را پیگیر شده و تنها با چکیده مقالات به نتایجی دست یافته است که عمده کاستی این پژوهش نادیده انگاشتن سایر پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، این پژوهش با دسته‌بندی کلی ابعاد نتوانسته است به درستی مرز مشخصی را برای تفکیک عوامل مؤثر بر طلاق ارایه دهد. هم‌چنین باید خاطر نشان کرد که در کم‌تر پژوهشی به بررسی اعتبار مدل ارایه شده پرداخته شده است که این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در پژوهشی دیگر، حبیب‌پور و همکاران (۱۳۹۰) پنج بُعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و شخصیتی را به عنوان مبانی مدل خود مشخص کرده‌اند. در این مطالعه، عوامل کلان و خرد بروز طلاق در استان مازندران مورد بحث قرار گرفته است، که مهم‌ترین عوامل کلان را ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی؛ عوامل اقتصادی و عوامل خرد را مبادله اجتماعی و ارضای نیازهای فردی و هم‌چنین همسان‌همسری نام برده‌اند. در ادامه، پژوهشگران با به کارگیری نظریه نیاز- انتظار نتایج خود را تحلیل کرده‌اند. شایان ذکر است که روش اجرایی این پژوهش، تحلیل محتوا (تحلیل اسنادی) بر اساس اسناد و پرونده‌های موجود در دادگستری استان مازندران می‌باشد و شیوه‌ی به کارگیری داده‌ها هم‌بستگی-علیتی بوده است. هم‌چنین نتایج از برتری عوامل فرهنگی و سپس عوامل اجتماعی، شخصیتی، اقتصادی و جمعیتی در صدر مهم‌ترین عوامل مؤثر بر طلاق در استان مازندران حکایت دارد که از بین متغیرهای مورد مطالعه، تعارض‌های فکری زوج‌ها عمده عامل طلاق محسوب گردیده است. با وجود استفاده از روش کمی و کیفی مناسب در این پژوهش، مطالعه صورت گرفته تنها محدود به استان خاص می‌باشد و به منظور رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر

به طور کلی می‌توان گفت با بررسی پژوهش‌های پیشین ارایه‌ی مدلی جامع که بتواند با روشی نظام‌مند و جامع ضمن شناسایی ابعاد و عوامل مؤثر بر طلاق زیربنایی را برای استفاده از روش‌های مبتنی بر پویایی سیستم (نقشه‌ی شناختی فازی، تحلیل پویا و...)، تصمیم‌گیری چند معیاره و ... ایجاد کند، یافت نشد که از این دیدگاه این پژوهش می‌تواند نقش به‌سزایی را در انجام تحلیل‌های دقیق و علمی از سوی کارشناسان و مدیران این حوزه به ارمغان آورد.

این پژوهش محدودیت‌های را نیز به خود دیده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نبود نرم‌افزاری تخصصی در زمینه متن‌کاوی در مقالات فارسی برای فیلتر کردن تعداد مقالات به صورت الکترونیک اشاره کرد. این مسأله وقت زیادی را از محققان به منظور تجزیه و تحلیل مقالات داخلی گرفته است. بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر برای سایر محققان ارایه شده است:

- استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری به منظور ارتباط بین ابعاد شناسایی شده؛
- استفاده از تحلیل عاملی به منظور اعتبارسنجی مدل؛
- استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ی فازی به منظور وزن‌دهی و اولویت‌بندی عوامل شناسایی شده؛
- استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره به منظور رتبه‌بندی کردن عمده عوامل طلاق؛
- استفاده از مدل‌سازی پویایی سیستم به منظور تحلیل علل طلاق به صورت نظام‌مند و ریشه‌ای و ارائیه‌ی سناریوهایی برای حل آن؛
- استفاده از دیگر روش‌های متامطالعه، به منظور بررسی نتایج پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی طلاق.

طلاق و دسته‌بندی عوامل، روش مشخصی مطرح نشده است و تنها بر اساس مطالعه‌های گذشته به نتیجه‌گیری پرداخته شده است، اما در تحقیقی پیش‌رو عوامل مورد بحث را نه در سطح یک استان بلکه در سطح بزرگ‌تری چون جهان دنبال می‌کند و با استفاده از روشی چون کاپا مدل نهایی حاصل از نظر خبرگان و مطالعه‌های پیشین را پیشنهاد می‌دهد. از جمله پژوهش‌هایی که دسته‌بندی جامع‌تری نسبت به دیگر مطالعه‌ها در آن به چشم می‌خورد، پژوهش بواله‌ری و همکاران (۱۳۹۱) است که مدل خود را در هشت بُعد سبب‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی، عوامل ازدواج مجدد، عوامل جنسی، عوامل اقتصادی، خشونت، جسمی و اعتیادی ارایه دادند. از این بین مهم‌ترین علل تقاضای طلاق در استان تهران علل روانی با ۹۶ درصد، جنسی ۸۸ درصد، عوامل فرهنگی- اجتماعی ۸۷ درصد، خشونت ۸۴ درصد و عوامل اقتصادی ۸۰ درصد ذکر شده است. در نهایت آزمون مربع کای و χ^2 بین زنان و مردان را در جایگاه قیاس قرار داده است. این پژوهش نشان می‌دهد بالاترین سبب‌های درخواست طلاق مربوط به عدم تفاهم و سازش می‌باشد. از ویژگی‌های برتر انجام این پژوهش می‌توان به مصاحبه مستقیم با زوج‌هایی که در آستانه طلاق بوده‌اند؛ اشاره کرد. در این مطالعه، پژوهشگران عوامل را با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و مصاحبه ساختار یافته استخراج و تحلیل کرده‌اند. از جمله کاستی‌های این پژوهش می‌توان به محدود بودن قلمرو و جامعه مورد بررسی آن‌ها که تنها استانی خاص در کنار مصاحبه با متقاضیان طلاق در ۲ شعبه از صدها شعبه دفاتر رسمی طلاق در استان تهران می‌باشد؛ اشاره کرد. از جمله پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به پژوهش گاتمن (۱۹۹۳) که چهار دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی، فردی و روان‌شناختی را معرفی می‌کند، اشاره کرد. این پژوهش نیز تنها با استفاده از مصاحبه به ارایه مدل نهایی خود پرداخته است.

منابع

1. Sadeghi fasayi S, Erfanmanesh I. Sociological analysis of modernism impact on Iranian families and the need to develop a model of Islamic Iran. *women in culture and the art*, 2014; 5: 63-84.
2. Panahi MH. The health of family and social factors affecting it. *social science quarterly*, 2013; 9: 1-40.
3. Mahdavi kani S. Principles governing the relations between family members in the knowledge of Islam. *Two journals of religious jurisprudence and family law (nedaye sadegh)*, 2013; 18: 5-31.
4. Parvin S, Davoodi M, Mohammadi F. effective sociological factors on emotional divorce among tehranian families. *journal of social and cultural council of women and the family*, 2013; 2: 56-8.
5. Skolnick A. S. *The Intimate Environment: Exploring Marriage and Family*. Third Edition. Boston and Toronto, Little, Brown and Company: 1983.
6. Musai M, Tavasoli Gh, Mehrara M. "The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran". *British Journal of Arts and Social Sciences*, 2011; 1: 82-93.
7. Weiss, S. *Marital separation*. New York: Basic Books: 1975.
8. Piran P. following the divorce sociological explanation. *Journal of the boom*, 1990; 1: 34-41.
9. Golmohamadi Khamane A. Drug addiction: criminalize or

- decriminalize, Msc thesis of Tehra Islamic azad university, 1999.
10. Ali yalazade M. The effects of divorce on womens' tendency to run away from home, 2004; Tehran, center for assistance police.
 11. Yaghubi k, Sohrabi F, Mofidi F. comparison the amount of aggression between normal and divorced children psychological studies, 2012; 25: 30-41.
 12. Khushabi K, Moradi Sh, Shojaei S, Alamdarlu Gh, Dehshiri Gh, Eisamorad A. prevalence of behavioral disorders in primary school disorder in Ilam. journal of rehabilitation, 2008; 8: 28-33.
 13. <http://www.sabteahval.ir/default.aspx? Tabid =4760>, Official website of Civil Registration office.
 14. Azkiya M, Tavakoli M. meta-analysis of studies on job satisfaction in educational organization. journal of social science, 2007; 27: 1-26.
 15. Patterson B, Thorne C. Jillings C. Meta- study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis. California Sage, 2001; 7: 31-8.
 16. Bench S, Day T. "The user experience of critical care discharges: a meta-synthesis of qualitative research". International journal of nursing studies, 2010; 47: 487-99.
 17. Zimmer L. "Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts". Journal of Advanced Nursing, 2006; 53: 311-318.
 18. Beck j. Mthering multiples: A meta-synthesis of the qualitativereferch.MCN. Teh American Journal of Maternal/child Nursing, 2002; 93.
 19. Sandelowski M, Barros J. Handbook for synthesizing qualitative research, Springer publishing company Inc, 2007.
 20. Finfgeld D. L. "Meta synthesis: The state of the art—so far". Qualitative Health Research, 2003; 13: 893-904.
 21. Zargar F, Neshat dust H. investigation of effective factors on detection of divorce in the Falavarjan city. journal of family studies, 2006; 3: 17-22.
 22. Mashki M, Colleagues P. The situation and factors related to divorce divorced couple of Gonabad township underlying 2000-2007. Journal of horizon knowledge, 2012; 17: 1-7.
 23. Rahimi H. survey of divorce factor in Khorasan city. population journal, 2001; 8: 23-24.
 24. Shahuli K, Rezayi k, Soltanmoradfar F. investigating the causes of conflict and divorce in families of Izeh city. Society for Cultural Research, Institute of Cultural Studies and Human Sciences, faculty of social science, Tehran university: 2011; 2: 1 1 3 - 3 8 .
 25. Javadi AM, Javadi M. the tendency to divorce and its influencing factors among clients of family courts in the west iran city and west Gilan, collection of articles of second national sciences of Iranian social pathologies, faculty of social science, Tehran university, 2012; iranian sociological association.
 26. Honariyan M, Yunesi Jalal. survey of divorce reasons in the Tehran family. journal of clinical psychology, 2012; 1: 1-5.
 27. Chan Hsin S, Mustafa M Sh. Divorce in Malaysia. Faculty of Education. University Technology Malaysia, 2008; 26: 23-8.
 28. Yoosefi N. Structural relationships between self-differentiation and subjective well being, mental health and marital quality fitting Bowen's theory. Journal of Medical Sciences University of Shahre Kurd 2010; 12: 68-77.
 29. Freeman N. Constructive thinking and early maladaptive Schemas as predictors of interpersonal adjustment and marital satisfaction. Ph.D. Dissertation. New York: New York University: 1998, 21-83.
 30. Ball S, Cecero J. Addicted patients with personality disorders: Traits, schemas, and presenting problems. J Pers Disord 2001; 15: 72-83.
 31. Stiles OE. Early maladaptive schemas and intimacy in young adults. Ph.D. Dissertation. San Francisco: Alliant International University: 2004, 5-67.
 32. Bastani S, Golzari M, Rowshani Sh. Emotional divorce and strategies to facit it. Journal of Family Research, 2011; 7: 241-57.
 33. Bolhari Jafar J, Ramezan zade F, Abediniya N, Naghi zade MM, Pahlavani H, Saberi seyed M. survey of some of the leading causes to divorce in Tehran courts. journal of epidemiology, 2013; 8: 83-93.
 34. Bahadori Y, Ebrahimipour Gh. essay on divorce, knowledge, 2012; 20: 135-49.
 35. Habibpour G.K, Nazoktabar H. divorce factors in mazandaran city. women straregic studies, 2012; 14: 31-8.
 36. Kalantari A, Roshan fekr P, Javaheri J. Divorce effects and outcomes, systematic review if conducted research in iran by emphasis on gender issues(1998-2012).women in development and policy, 2012; 9.
 37. Bernadz J. introduction to failies study translate of H.Ghaziyani, Tehran, Ney nashr: 2006.
 38. Reyhani T, Ajam M. survey of divorce factors in Gonabad. horizon knowledge, faculty of Gonabad medical science and medical services: 2003.
 39. Tembe M. An Investigation into the Causes of Divorce among the Evangelical Church Members in Namakgale Township. A Thesis Submitted for the Degree of Master of Theology: 10 December 2010.
 40. Andersen S. The rise and fall of divorce(A sociological adjustment of Becker's model of the marriage market). The journal of mathematival sociology, 2012; 36: 97-124.
 41. Matsuura H, Nakano M, Yamanaka M, Nishii T, Oshimoto Y, Ito Y, Nemoto T. Social Factors' Analysis of Japanese Divorce. International Journal of Biomedical Soft Computing and Human Sciences, 2010; 15: 41-7.
 42. Sadrol Ashrafi M, Khonakdar Taresi M, Sham khani A, Yousefi Afrashte M. Divorce pathology(causes and agents) and its prevention strategies cultural engineering, 2013; 12: 73-4.
 43. Shirzad J, Kazemi far A.M, epidemiological studies of divorced couples are reffered to the forensic medicine department of Hamadan at year 2001 , journal of forensic medicine, 2009; 36: 1-4.
 44. Ghotbi M, Colleagues P. divorce situation and effective factors on it in divorced people living in the area of Dolat Abad , journal of social welfare, 2004; 3: 7-13.
 45. Kalantari A, Roshan fekr P. divorce, causes and consequences, the last three decades of research findings, collection of articles of second national sciences of Iranian social pathologies, faculty of social science, Tehran university, Iranian sociological association: 2012.
 46. Bradbury TN, Fincham FD, Beach SR. Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. Journal of Marriage and Family, 2000; 62, 964-980.
 47. Akhavan Tafti M ,consequences of divorce in the transition process, womens' studies. 1976; 3: 12-17.
 48. Kurdek LA. Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of newly wed couples. Journal of Personality and Social Psychology, 1993; 64: 221-42.
 49. Yazdkhasti H, Mansouri N, Zadehmohammadi A, Ahmadabadi Z. The Relation Of Inclination And Guilt Feeling Of Divorce On Stress, Depression And Anxiety Of Those Are To Divorce In Esfahan And Arak family research, 2008; 4: 263-75.
 50. Voydanoff, P. Economic distress and family relations: A review of the eighties. Journal of marriage and Family, 1990; 52: 1099-115.
 51. Westman M, Hamilton VL, Winokur AD, Roziner I. Cross over of manital dissatisfaction during military downsizing among Russian army officers and their spouses. Applied psychology, 2004; 89: 769-779.
 52. Larson J, Thomas B. Holman, "premarital predictors of

- marital quality and stability". *Family Relations*, 1994; 43.
53. Dehaghani A, Nazari A. sociological analysis of effective factors on couples' tendency to divorce in Isfahan. *journal of social security studies*, 2012; 2: 10-15.
 54. Jocklin V, McGue M, Lykken D. Personality and divorce: A genetic analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1996; 71: 288-99.
 55. Coontz S. The Origins of Modern Divorce. *Family Process*, 2006; 46: 41-8.
 56. Harris A, Curtin L. Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. *Cogn Ther Res*, 2002; 26: 405-16.
 57. Anduz Z, Hamidpur H. The study of early schema, attachment and marital satisfaction. *Proceeding of the 2nd Congress of Family Pathology*. Tehran, Shahid Beheshti University, 2005; 165.
 58. Roytburd L.F, Friedlander M.L. Predictors of Soviet Jewish refugees' acculturation: Differentiation of self and acculturative stress. *Cultur Divers Ethnic Minor Psychol*, 2008; 14: 67-74.
 59. Amato P.R, Rogers S.J. A Longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and Family*, 1997; 59: 612-24.
 60. Storasli R. D, Markman H.J. Relationship problems in early stages of marriage: A longitudinal investigation. *Journal of Family Psychology*, 1990; 4: 80- 98.
 61. Yen H. Wedding bells for college educated . Atlanta , Georgia: Atlanta Journal-Constitution. 8 October. Publisher: Brooks Cole, 2006; 2.
 62. Whisman M.A, Dixon A.E, Johnson B. Therapists'perspective of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 1997; 11: 361- 366.
 63. Miller R. B, Yorgason J. B, Sandberg J. G, White M.B. Problems that couples bring to therapy: A view across the family life cycle. *The American Journal of Family Therapy*, 2003; 31: 395- 407.
 64. Luscombe B. *Divorcing by the Numbers*, New York, New York, 24 May 2010.
 65. Bremmer D, Kesslering R. Divorce and Female Labor Force Participation: Evidence from Times-Series Data and Cointegration. *Atlantic Economic Journal*, 2004; 32: 174-190.
 66. Stack S, Bankowski E. Divorce and Drinking: An Analysis of Russian Data", *Journal of Marriage and the Family*, 1994; 56: 805-12.
 67. Yusefi N, Etemadi O, Bahrami F, Fatehizade M, Ahmadi A, Bashlide K. schema comparison of normal and divorced couples in Isfahan, *journal of psychiatric and clinical psychology*, 2009; 10: 1-8.
 68. Caces M.f, Harford T.c, Williams G.d, Hanna E.z. Alcohol consumption and divorce rates in the United States. *J. Stud-Alcohol*, 1999; 60(5): 647-52.
 69. Eriksen W, Natvig B, Bruusgaard D. Marital disruption and long -term work disability. A four- year prospective study. *Scand-J- Public-Health*; 1999; 27: 196-202.
 70. Stack S, Bandowski E. Divorce and drinking: an analysis of reussian data, *Jorunal of marriage and the family*, 1994; 56: 805- 12.
 71. Heffernan C. The Sociology of Divorce: A Research Overview. *Social Science Teacher*, 2007; 37: 1-8.
 72. Fine M. The relationship of perceived health in the family of origin to levels of state and trait anxiety, 1988; 15: 51-7.
 73. Banijamal Sh, Nafisi N, Yazdi S.M. the roots of the disintegration of the family in relation to psycho-social traits of boys and girls before their marriage ,Shahid chamran's *journal of education studies and psychology*, 2005; 3: 13-17.
 74. Bekele, S. Divorce: Its Cause and Impact on The Lives of Divorced Women and Their Children: A Comparative Study between Divorced and Intact Families. A Thesis Submitted to the Graduate School of Addis Ababa University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Social Work, 2006 July.
 75. Pourkhan A. comparative study of divorced couples who recourses to intervention family center in kerman. *collection of articles of second national sciences of Iranian social pathologies*, faculty of social science, Tehran university, Iranian sociological association: 2012.
 76. Heaton TB. Factors contributing to increasing stability in the United States. *Journal of Family*, 2002; 23: 392-409.
 77. Bramlett MD, Mosher WD. Cohabitation, marriage, divorce, and remarriage in the United States. *Vital health statistics*, 2002; 7: 5-9.
 78. Shabani E, Colleagues P. survey of effective social factors on divorce demands among couples in Tabriz. *population journal*, 2005; 3: 47-8.
 79. Jensen L, Allen A. "Meta-synthesis of qualitative findings", *Qualitative Health Research*, 1996; 6: 553-60.
 80. Guttman J.M. A theory of marital dissolution and stability. *J Fam Psychol*, 1993; 7: 57-75.

Original Article

Designing a Meta-Synthesis Model of Factors Affecting Divorce by Systematic Review of Previous Studies

Arab SM¹, Ebrahimzadeh Pezeshki R², Morovati Sharifabadi A³

1-MS Student of Industrial Management, College of Economy, Management and Accounting, Yazd University, Iran

2- Student of Executive Master of Business Administration of Economy, Management and Accounting, Yazd university, Iran

3- Assistant Professor, College of Economy, Management and Accounting, Yazd University, Iran

Corresponding author Ebrahimzadeh Pezeshki R, Rezapezeshki@stu.yazd.ac.ir

Background and Objectives: In the classification proposed by Holmes and colleague, the stress of divorce has been identified as the greatest one among all types of stresses in the world. This global stress is on the rise in Iran so that Iran is the fourth country in this regard. The purpose of this study was to present a comprehensive and systematic model of the factors affecting divorce in the country.

Methods: The method used in this study was qualitative and a type of meta-study known as meta-synthesis. The study population consisted of all relevant papers with research topics. In order to perform the research, after designing research questions, a systematic search was carried out based on relevant key words (divorce, spousal conflict, separation) from the databases Science Direct, IEEE, Emerald, ISC, IRANDOC, SID, Civilica, Scopus and also Google Scholar between 1365 to early 1392.

Results: By reviewing 61 articles out of 8477 primary ones, both foreign and domestic, researchers identified 15 dimensions and 64 components as the factors affecting divorce. Based on these factors, the final integrated model was presented and validated.

Conclusion: The results of this study can be used as a basis for planning pre-marriage counseling programs by identifying factors affecting divorce on the basis of all available resources in the years 1365 to 1392.

Keywords: Divorce, Effect factors on divorce, Systematic method Meta-Study, Meta-Synthesis